

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی-فرهنگی

استاد اکبر سنا
۰۵ مارچ ۲۰۲۱



استاد اکبر سنا

دل از ما برد و رخ از ما نهان کرد

دل از ما برد و رخ از ما نهان کرد
شب تنهایی ام در قصد جان بود
چرا چون لاله خونین دل نباشم
کرا گویم که با این درد جانسوز
بدان سان سوخت چون شمع که بر من
صبا گر چاره داری وقت وقت است
میان مهربانان کی توان گفت
خدا را با که این بازی توان کرد
خیالش لطف های بیکران کرد
که با من نر گس او سر گران کرد
طبییم قصد جان ناتوان کرد
صراحی گریه و بریط فغان کرد
که درد اشتیاقم قصد جان کرد
که بار من چنین گفت و چنان کرد
عدو با جان حافظ آن نکردی
که چشم مست آن ابرو کمان کرد

این هم از سنا

خدا چون طرح حسن دلبران کرد
گر انداز نگاه تو چنین است
در آتش دیده باشی پیچش مو
بنام باد لعل لببت را که
فغان کان ماه چرخ دلربائی
نه قاصد را بود راهی به سویش
رخت را قبله خلق جهان کرد
بدون باده مستی می توان کرد
مرا سودای گیسویت چنان کرد
با یک ساغر از سر جوان کرد
"دل از ما برد و رخ از ما نهان کرد"
نه در کویش توان اشکی روان کرد

سنا مشاطة طبعم دگر بار
عروس شعر را گوهر نشان کرد

۷ دلو ۱۳۶۳

مجله آواز